اعتقاد کاشف الغطاء به تواتر عشر

از چیزهایی که برای بحث امروز ما خیلی جالب است، این است: جناب شیخ جعفر کاشف الغطاء عین شهید اول هستند؛ وقتی عبارت می‌آورند، برایشان واضح است که عشر محکم است. یعنی بعد از شهید اول که این دو بزرگوار ایشان را تأیید کردند، اول کسی که خدشه انداخت مقدس اردبیلی در مجمع الفائده بودند. همین جور به بحث تاب افتاد. تاریخش را بررسی کردیم. تا بحال اینطور کلمات ایشان را با دقت نگاه نکرده بودم امروز با دقت دیدم گفتم عجب! این باید حتماً ذکر بشود. پس ما می‌توانیم بگوییم یکی از فقهای امامیه که فتوای محکم دادند که عشر مجزی است و متواتر است و شکی در قرآنیت آن نیست، شیخ جعفر کاشف الغطاء است. این چیز خیلی جالبی است. با این دنباله که خودشان می‌گویند جزء متواترات و یقینیات و ... است.

«و يجوز اتباع السبعة بل العشرة»؛ محکم می‌گویند. **«في عملهم»**؛ یعنی هر چه قراء شنیده‌اند و برای ما نقل می‌کنند، از آن‌ها قبول می‌کنیم. **«لا في مذاهبهم»**؛ مذهب قراء این است که یک حکم فقهی می‌گویند. ما کاری با آن‌ها نداریم. بعد مثال هم می‌زنند. **«كاحتسابهم السور الأربع أربعاً»**؛ سوره های ضحی و الم نشرح، فیل و قریش. آن‌ها می‌گویند این‌ها چهارتا هستند. اگر در نماز هم بخوانید مانعی نیست. چهارتا سوره است. اما امامیه می‌گفتند این‌ها دو تا هستند. شما در نماز حق ندارید یکی را بخوانید. باید با هم بخوانید. **«و إخراج البسامل من جزئيّة القرآن أو السور»** که بحثش را کردیم.

«ثمّ لا يجب العمل على قراءتهم إلا فيما يتعلّق بالمعاني»؛ هم مرحوم شیخ اعظم و هم مرحوم صاحب جواهر «بالمبانی» دارند. اما هم کشف الغطاء چاپ قدیم و هم چاپ جدید «معانی» دارد. من بالای هشتاد در صد نقل صاحب جواهر و شیخ را درست می‌دانم. یعنی مقصود کاشف الغطاء، «مبانی» است. این کتاب چاپی از نسخه، «معانی» دارد.

شاگرد: مبانی به چه معنا است؟

استاد: حرف المبنا و حرف المعنا. حرف المعنا یعنی حرفی که معنا دارد. مثل باء که برای الصاق است. لام برای ملکیت است. یکی هم حرف المبناء است. یعنی حروفی که بناء کلمه را تشکیل می‌دهد. زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی. این «مبانی» یعنی حرف المبنا. در شرح کافیه بود. ادباء زیاد داشتند.

ایشان می فرمایند: **«من حروف و حركات و سكنات بنية أو بناء»**؛ بنیه یعنی صرف و بناء یعنی مبنی و معرب. **«و التوقيف على العشرة»**؛ نمی‌گویند سبعه، سبعه رفت کنار، می گویند: عشره. التوقیف علی العشرة یعنی حتماً باید این‌ها را اتباع کنید در عشره.

مطلبی که می‌خواهم به دنبالش بروید، این است: چه بسا ادامه فرمایش کاشف الغطاء در ذهن مرحوم صاحب جواهر نبوده است. صفحه دویست و نود و نه را نگاه کنید. اینکه در صفحه صد و هشتاد خواندم، دوازده صفحه جلو بروید. یعنی بحث قرائت صلات را با فروعات متعدده می‌فرمایند.

ات به اینجا می‌آیند. به به! حرفی می‌گویند که از شخصی مثل کاشف الغطاء با این جلالت کار را تمام می‌کنند بطور واضح. صفحه صد و نود و دو است. می‌فرمایند:

> **ثم القراءة متبعة، فتُبنى على الرواية دون الدراية، فلا تجوز القراءة باللّحن، و لا بما وافق العربيّة، و خالف السيرة المرعيّة. و تجوز القراءة مع الموافقة لأحد القراءات السبع، بل العشر كما مرّ. و عن الصادق عليه السلام أنّه قال إنّ ابن مسعود إن كان لا يقرأ بقراءتنا فهو ضالّ، و أمّا نحن فنقرأ على قراءة أُبيّ**[1]

«ثم القراءة متبعة»؛ اگر یادتان باشد: القرائه سنة متبعة، ای القرائه متبوعة. شیخ الطایفه در تبیان داشتند. اگر خواستید به دنبالش بگردید همه این واژه‌ها را به کار ببرید. شیخ جعفر توضیح واضحی می‌دهند و می‌فرمایند: **«ثم القرائة متبعة»**؛ یعنی قرائت نمازی که گفتیم سبع و عشر که واجب است مراعات کنید، باید به پیامبر خدا برسد. سنت متبعه است.

«فتُبنى على الرواية دون الدراية»؛ در قرائت اجتهاد و اینها فایده‌ای ندارد. حتماً باید مبتنی‌بر سماع باشد. **«فلا تجوز القراءة باللّحن»؛** اگر غلط بخوانید نمازتان باطل است**. «و لا بما وافق العربيّة»**؛ اگر طوری بخوانید که با عربیت موافق است اما طبق روایت نباشد و صرفاً طبق درایه باشد، نماز باطل است. لذا عشری که ایشان محکم گفتند «ی‌جُزی»، به این معنا است. یعنی این عشر متواتر است. این عشر مبتنی‌بر سماع است.

«و تجوز القراءة مع الموافقة لأحد القراءات السبع، بل العشر كما مرّ»؛ دوباره می‌گویند. فتوای محکم ایشان است. اصلاً احتیاط ندارند. لذا مرحوم سید در عروه اسمی از عشر نمی‌آورند. چون بحث‌ها ضعیف شده بود. سید فتوا دادند «ما وافق العربیه» کافی است و فرمودند «الاحوط» یعنی احوط ندبی. «الأحوط القراءة بإحدى القراءات السبعة»[2]؛ در متن عروه اصلاً اسمی از عشر نبرده بود.

شاگرد: این عبارات شاهد بر این است که قرآن زمان رسول الله است؟

استاد: نزد شیخ جعفر؟

شاگرد: بله.

استاد: بله، اصلاً خودشان توضیح دادند.

شاگرد: سنّة متبعة اعمّ است. قرآنیت را ثابت نمی‌کند. اینجا بحث از قرائت در نماز است. در نماز هم به عشر بسنده می‌کنیم.

استاد: چرا عشر؟

شاگرد: از این عبارات در نمی‌آید که همه اینها را قرآن بگیریم.

استاد: حرفی نیست. ان شاءالله فردا روی همین صحبت می‌کنیم.

شاگرد۲: مشهور که بوده. ایشان می‌فرمایند مشهور نزد امامیه.

استاد: اصلاً بیش از اینها است. ان شاء الله شواهدش را عرض می‌کنم. شیخ اینجا خیلی محکم وارد شده‌اند. الآن که منزل تشریف بردید فرائد را نگاه کنید. شیخ اعظم انصاری در دو جای فرائد همین را می‌آورند. می‌گویند بنابر مشهور که تواتر قرائات هست دو قرائت مثل دو آیه می‌شوند. یعنی همین جور یک اجتهاد کسی، حرف خدا شده؟! بعد هم شیخ فرمودند مشهور؛ «المشهور المدعی علیه الاجماع». می‌دانید این مشهور چه زمانی مشهور شده؟ «المدعی علیه الاجماع» که حتی قبل از محقق و صاحب ذخیره یک نفر خلاف اجماع نگفته اند. شما یک نفر را پیدا کنید. بله، شیخ اعظم و دیگران چرا پشتشان گرم است؟ شیخ می‌فرمایند «المشهور المدعی علیه الاجماع». چرا؟ چون فوری پشت سرش می‌فرمایند «انکر هذا الاجماع شیخ الطائفه فی التبیان». ما در جلسات مفصلی بحث کردیم که شیخ کجا این را انکار کرده‌اند؟! مهمترین بزنگاه بحث همین است. خب وقتی شیخ الطائفه انکار کند چه اجماعی می‌شود؟! چه کسی سبب شد که این کلام در کلمات بیایی که شیخ الطائفه مخالف هستند؟ صاحب حدائق بودند. مفصل بحث کردیم. ایشان آوردند و گفتند «کلامه صریح...». اما آشیخ جعفر اینطور نیست. در فضای فقه آنها می‌گویند قاعده اشتغال، برائت یقینی می‌خواهد. شما وقتی نماز می‌خوانید باید بتواند برای شما برائت یقینی بیاورد. از کجا می‌آورد؟!

شاگرد: «اقرئوا کما یقرء الناس». این محتملات هست.

استاد: خودشان می‌گویند وقتی محتملات آمد، برائت نمی‌تواند یقینی بشود. «اختلف فی العشر»، این برائت می‌آورد؟! شما بفرمایید.

شاگرد: «اقرئوا کما یقرء الناس» یک اصل است.

استاد: ببینید در قاعده اشتغال یقینی باید برائت یقینی باشد. علامه می‌فرمایند سبع متواتر است. بعضی از اصحابنا عشر را هم گفته اند. ولی چون عشر یقینی نیست، من قبول ندارم. قاعده را نگاه کنید؛ می‌گویند من قبول ندارم. یعنی سبع یقینی می‌آورد. بعد خود علامه می‌گویند؛ بلاریب اینها مسلمات مطالب ایشان است. خود صاحب حدائقی که در کردند، چه فرمودند؟

شاگرد: مقدمه اول کاشف الغطاء گویا دارند خودشان را نقض می‌کنند.

استاد: نه. فردا عرض می‌کنم.

---

[1] همان ۱۹۲

[2] العروه الوثقی و التعلیقات علیها، ج ۷، ص ۲۲۶

بازبینی #4
ایجاد شده 27 نوامبر 2025 15:02:25 ظ ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2026 12:34:24 ظ ... .